

چالش‌های تک‌فرزندی در جامعه ایرانی؛ فردگرایی و کاهش سرمایه اجتماعی

تک‌فرزندی یکی از مهم‌ترین آسیب‌هایی است که می‌تواند در حوزه سیاست‌گذاری جمعیت و خانواده وارد شده و منجر به خسارت‌های فراوانی برای جامعه شود.



تک‌فرزندی یکی از مهم‌ترین آسیب‌هایی است که می‌تواند در حوزه سیاست‌گذاری جمعیت و خانواده وارد شده و منجر به خسارت‌های فراوانی برای جامعه شود.

خبرگزاری مهر، گروه جامعه: سخن گفتن از سیاست‌گذاری جمعیتی در کشور ما، مستلزم نگاه درست به نقاط ضعف و قوتی است که در این راستا قابل بررسی و ارزیابی است. چه از این رو که کارآمدی هر سیستمی مستلزم توجه درست به همین نکات و نقاط و در واقع شناخت درست از آنان است. بحثی که چند سالی است در فضای کشور ما نیز مطرح شده و افراد بسیاری درباره آن سخن گفته اند. در میزگردی که با میزبانی صاحب نظران این حوزه برگزار شد، پیامدهای تک‌فرزندی برای جامعه ایرانی بیشتر مورد تحلیل و بررسی قرار گرفت.

مرضیه ابراهیمی؛ عضو هیئت علمی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه شهید بهشتی، حجه بی‌‌ بی رازقی نصرآباد؛ عضو هیئت علمی موسسه مطالعات و مدیریت جامع و تخصصی جمعیت کشور و ربابه عطائی فر؛ عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی، مهمانان این نشست بودند. موضوع اصلی این نشست، بررسی پیامدهای تک‌فرزندی است. موضوعی که اگر به صورت عمیق تر و ریشه ای به آن نگاه کنیم، در بستری به نام خانواده اتفاق می افتد. بستری که شاید بتوان آنرا، مهم ترین مفهوم در سیاست‌گذاری جمعیتی دانست.

* تعریف شما درباره خانواده و جایگاه آن در سیاست‌­گذاری های جمعیتی امروز، در جامعه ایرانی چیست؟

ابراهیمی: ما اگر بخواهیم در حوزه سیاست‌­گذاری خانواده بحث کنیم، ابتدا باید یک گام به عقب رفته و در مورد خانواده صحبت کنیم. خانواده، یکی از مهم‌­ترین نهادهای اجتماعی است. نهادی که نه تنها در جامعه ما، بلکه در جوامع دیگر نیز حائز اهمیت فراوان است. نهادی که اگرچه شکل آن تغییر کرده و می‌­کند، اما دائما وجود دارد.

یکی از انواع مهم سیاست‌­گذاری که با بحث خانواده نیز مرتبط است، سیاست‌­های جمعیتی است. گزاره بنیادین در این نوع از سیاست‌­گذاری، اهمیت اساس خانواده است. به این معنا که؛ خانواده و مسائل مربوط به آن در فضای جامعه تأثیر فراوان دارد و در نتیجه برای مدیریت این تأثیرات، باید سیاست‌­گذاری درستی نیز داشت. ما نمی‌­توانیم جامعه سالم و پویائی داشته باشیم، اگر خانواده سالم و پویائی نداشته باشیم! در واقع نسبت سلامت و پویای در خانواده و جامعه، نسبتی مستقیم است. رابطه ای یکه البته از تحولات اجتماعی و خانوادگی نیز تأثیرات فراوانی می پذیرد.

در فضای جامعه امروز، تغییر و تحول یکی از مهم ترین ویژگی های هر جامعه ای است. همراه با تغییرات سریع اجتماعی، خانواده هم تحولاتی را تجربه می‌­کند که انواع خاصی دارند. مهم‌­ترین نوع این تغییرات، بروز تغییر در نگرش افراد است.

امروز انسان‌­ها مثل گذشته به خانواده، فرزندپروری و تعاملات درون خانواده نگاه نمی‌­کنند. آنها دچار تغییرات مهمی در عقاید و نگرش ها شده اند، که فضای خانواده و بعد از آن جامعه را نیز تحت تأثیر خود قرار داده است. تحصیل و اشتغال زنان که مهم ترین نمود افزایش مشارکت آنان در جامعه منجر به بروز تحولاتی شده که نمی توان به سادگی از آن عبور کرد. شما نمی‌­توانید بگوئید که زن به عنوان محور خانواده، صاحب تحصیلات و موقعیت اجتماعی شده، اما تأثیری روی نهاد خانواده نگذاشته است! مشارکت زنان علاوه بر اینکه پیامدهای مثبتی در تربیت فرزندان و ارتباط با همسر خواهد داشت، ممکن است منجر به تضاد نقشی نیز برای زنان شود. در این صورت حتما شاهد بروز تعارضات خواهیم بود.

بحث هرم و ساختار قدرت در خانواده، یکی از مباحث دیگریست که در این راستا باید به آن اشاره کرد. امروز شما مانند گذشته در خانواده‌­ای زندگی نمی کنید که مردسالار است. تغییر ساختار خانواده به سمتی می‌­رود که ممکن است در خیلی از موارد به سالار بودن فرزندان منتهی شود. امروز این فرزندان هستند که خانواده را در مورد

فراغت، تفریحات و تصمیمات کلانی مانند بحث­های خرید خانه هدایت می­کنند. این تغییر به عنوان یک چالش جدید، منجر به ایجاد فرصت ها و تهدیدهایی می شود که البته سخن گفتن از آن فرصتی دیگر می طلبد.

مسأله دیگر افزایش سن ازدواج است که در یک بُعد ناشی از تغییر نگرش افراد، در سوی دیگر افزایش تحصیلات و همچنین افزایش اشتغال زنان است. این تغییر در افزایش سن ازدواج، به صورت مستقیم روی پدیده فرزندآوری و تعداد فرزندان تأثیرگذار است. شرایط امروز اجتماع به صورتیست که افراد فرصت کمتری برای داشتن فرزند و دغدغه بیشتری برای تربیت آنان دارند. فردی که همزمان تحصیل کرده و البته شاغل است، فرصت تربیت و پرورش پنج فرزند را ندارد. از سوی دیگر، مسائل اقتصادی تأثیر بسزائی در تمایل خانواده ها به کم فرزندی و تک فرزندی داشته و دارد.

در گذشته فرزندان نقش تولیدکننده در کنار خانواده داشتند. آنها عصای دست پدرشان می­شدند و به پدر فرصت استراحت یا همکاری با خود را می دادند. این در حالیست که در خانواده امروز، فرزندان مصرف کننده هستند. مصرف کنندگانی که برای سالیان طولانی تر در کنار خانواده می مانند. مسئله ای که با عنوان طولانی شدن سن جوانی، از آن نام می برند. فرزندی که مدت سی سال در کنار خانواده هستند و تأمین نیازهای شان را به عهده خانواده می دانند، مصداق بارز این قضیه هستند.

مجموعه این تغییرات منجر به لزوم یک بازنگری درباره مفهوم خانواده و جایگاه آن در نظام سیاستگذاری های جمعیتی شده است. سیاستی که مقام معظم رهبری به نهادهای و سازمان های مرجع ابلاغ کردند، نمونه کامل یک سیاستگذاری بود که نقش خانواده را به صورت جامع دیده و به تحولات آن اشاره داشته است.

نکته مهم در این بحث اینکه؛ اجرای یک سیاست باید با ابعاد مختلف و البته مرتبط آن هماهنگ باشد. مثلاً وضعیت فرهنگ، اجتماع و اقتصاد باهم همخوانی داشته باشد.

* در صحبت از تحول مفهوم خانواده، سخن از کم فرزندی یا کاهش نرخ باروری به میان آمد. خانم عطائی فر؛ مهم ترین زمینه ها و دلایل روان شناختی این امر در کجاست؟! اصلاً آیا خانواده ایرانی به کم فرزندی تمایل دارد؟

عطائی فر؛ کاهش باروری در جامعه ایرانی، یک اتفاقی ست که امروز شاهد آن هستیم. دلایل مختلفی برای این پدیده وجود دارد که من در ادامه سخنانم به چند مورد از آنها اشاره می کنم.

از جمله علت­های که برای کاهش باروری وجود دارد؛ مهاجرت از روستا به شهر است. باتوجه به مطالعاتی که ما در این باره داشتیم، وقتی ما به جامعه شهرنشین نزدیک می­شویم، توقعات و انتظارات فرد نیز دچار تغییراتی می شود. آنها بجای تولید، مصرف را برمی گزینند و در نتیجه میل آنها به مدیریت این مصرف زیاده تر می شود. اختلال در نرخ باروری هم یکی از نخستین پیامدهای مدیریت به سبک شهرنشینی است.

دلیل مهم دیگر، فقدان اصول سلامت روانی در زندگی های شهری است. به این معنا که اجاره نشینی در فضای آپارتمان های امروزی، کم فرزندی را به خانواده ها اجبار می کند. در معماری امروز، تعداد فرزندان شما باید کمتر باشد!

یکی دیگر از نکاتی که در ادامه بحث تحول خانواده باید به آن اشاره کنیم و ارتباط این تحول با کاهش تعداد فرزندان را بیشتر مورد توجه قرار دهیم، موضوع فرزندسالاری است. وقتی خانواده ای به فرزندسالاری گرایش دارد، در واقع بیشترین توجه را ما به فرزندش دارد. او انتظارات زیادتری از فرزندش دارد و آینده ای را برای او تصور کرده که شاید دلخواهش نباشد! در این حالت تمرکز خانواده روی فرزندی ست که سالار می پندارد و در نتیجه چون این نوع توجه، مستلزم نوعی از فشار روانی و استرس در تربیت فرزند است، تمایل خانواده به سمت و سوی کم فرزندی خواهد رفت.

* ما از تحول در خانواده ایرانی و افزایش تمایل برای کم فرزندی سخن گفتیم. مسئله ای که کلید تایید یا رد آن در دست پژوهشگران جمعیت شناسی و آمارهای دقیق شما است. سوال من درباره همین آمارهاست. آیا در سال های اخیر-به لحاظ جمعیتی- شاهد بروز تحولات در خانواده ایرانی بوده ایم؟! تغییراتی که شاید مهم ترین نمود آن در زمان تشکیل خانواده و بعد از آن فرزندآوری اتفاق افتاده باشد.

رازقی؛ خانواده هم به لحاظ شکل، هم به لحاظ کارکرد و هم به لحاظ ابعاد و زمان تشکیل، تغییر کرده است. نکته مهم مسئله بقا و پایداری خانواده در جامعه ایرانی است که مشابه سایر جوامع است و تمایلی که افراد جامعه ما برای تشکیل خانواده دارند، یک نکته مثبت اضافه بر سازمان است. نگرش مثبت ایرانی به ارزش خانواده و فرزندآوری، همواره

در جامعه ما وجود داشته و ارزش محسوب شده است. اما تغییراتی که در این فضا رخ داده، مغایرتی با بحث ارزش خانواده نداشته و باید در کنار جایگاه خانواده، به این تغییرات نیز توجه کرد.

شاید برجسته‌ترین تغییر در خانواده؛ تغییر سن ازدواج زوجین باشد. تغییری که متأثر از شرایط اقتصادی و اجتماعی است و در واقع از اجزاء زندگی مدرنی است که ما در حال تجربه آن هستیم. افزایش سرمایه اجتماعی، مستلزم بالارفتن سطح تحصیلات و در نتیجه حضور طولانی مدت ما در مدارس و دانشگاه و ادارات است. همین حضور می تواند تشکیل خانواده و فرزندآوری را به تاخیر بیاندازد. همچنین سن فرزندآوری نیز متغیری تاثیرپذیر از این فضا است که در جای خود به آن اشاره خواهیم کرد.

بحث دیگر؛ کاهش فرزندآوری و تعداد فرزندان در کشور است. ما در حدود سال ۱۳۵۹؛ نرخ حدود هفت فرزند در خانواده داشتیم. آماری که در سه دهه مدیریت شد و به نرخ تعیین شده-سطح جانشینی- رسید. این یکی از مهم ترین تغییرات در حوزه خانواده بود که البته از علل مختلفی تاثیر گرفت و از سوی دیگر نیز منشاء اثرات زیادی درون خانواده ها شد.

شیب کاهش نرخ باروری از سال ۱۳۵۹ اگرچه بسیار تند بود، اما در دو دهه اخیر روند آرام تری به خود گرفته است. به طوریکه در حدود سال ۱۳۸۵؛ نرخ باروری به ۱.۹ فرزند رسید و در سال ۱۳۹۰؛ به ۱.۸! بعد از آن و در اثر تغییرات جمعیتی که در کشور شاهد بودیم، نرخ باروری دوباره افزایش پیدا کرد و به ۲.۰۸ رسید. یعنی گروه سنی صفر تا چهار سال، دوباره افزایش پیدا کرد.

در بحث از تک‌فرزندی اما باید به چند نکته اشاره کرد. نخست اینکه؛ وقتی باروری به زیر سطح جایگزینی یعنی کمتر از دو یک دهم می‌رسد، ما با بحران تک فرزند روبرو هستیم. مسئله ای که اگرچه در جامعه ما بحران نیست اما به دلیل بالا رفتن سن ازدواج از یکسو و بالا رفتن سن فرزندآوری دوم، بحران پنداشته می شود. در واقع مادران زیادی در جامعه ما، فرزند دوم را در فاصله زیادی با فرزند اول به دنیا می آورند و در واقع مسئله تک فرزند را در سال های بعد جبران می کنند.

بحث مهم دیگر اغراق درباره آمارهای تک فرزند و ناباروری در جامعه ماست. ممکن است شما در زمان فعلی، تک فرزند یا بی‌فرزند را در میان مادران ایرانی نشان دهید. اما واقعیت های آماری نشان می دهد که وقتی زنان به سال های پایان باروری خود می‌رسند، تعداد فرزندان ایده‌آل شان را به دنیا می آورند. تعداد فرزندان ایده‌آل در جامعه ما بالای دو فرزند است. یعنی زنان جامعه ما، طبق آمار عمومیت ازدواج که بالای ۹۸٪ است، نه تنها می‌خواهند ازدواج کنند، بلکه فرزندآوری برایشان مهم است و بالای دو فرزند می‌خواهند. این حتی در تهران که پیشگام کاهش باروری در ایران بوده، نیز صادق است.

در سال ۱۳۷۵؛ ۲.۳ درصد از زنان ۴۰ سال و بالای ۴۰ سال، تک فرزند بوده‌اند. در سال ۱۳۸۵؛ این نرخ به ۵.۱ درصد و در سال ۱۳۹۵؛ به ۱۲.۳ درصد رسیده است. هرچند که این روند افزایشی است اما برای رسیدن به یک تحلیل درست، نمی توان گفت که خانواده ها تک فرزند مانده اند. روش های مختلف نشان می‌دهد که ۷۰ درصد از زنان جامعه ما دو فرزند را به دنیا می‌آورند. ۳۳ درصد از زنان؛ بدون فرزند یا تک فرزند هستند. ۳۳ درصد؛ دو فرزند و ۳۳ درصد؛ بالای سه فرزند دارند. حتی درصد زیادی از زنان دانشگاهی به سمت دو فرزند می‌روند.

* در میان صحبت هایتان به این نکته اشاره کردید که ما در برهه ای شاهد کاهش نرخ باروری از ۳.۲ فرزند به ۱.۲ فرزند بودیم. سوال من درباره جایگاه تک فرزند در این راستا است. آیا تک فرزند تکنیک کاهش این نرخ در جامعه ایرانی بود؟!

رازقی: باروری تصمیمی است که زوجین براساس شرایط شان می‌گیرند. تصمیمی که تاثیر زیادی از شرایط اجتماعی و اقتصادی خانواده و زوجین می گیرد. بنابراین؛ باروری، در سه سطح کلان، متوسط و خرد از شرایط اجتماعی نشأت می‌گیرد. همچنین نقش عوامل روانی، خانوادگی، اجتماعی، سیاسی و فردی نیز در این راستا حائز اهمیت فراوان است.

اگر بخواهیم به زمانی برگردیم که کاهش باروری در ایران شروع شد، باید به حدود سال های ۱۳۶۴ به بعد نگاه کنیم. زمانی که سیاست غیررسمی تشویق باروری در جامعه به پایان خود نزدیک شده بود. کاهش سن ازدواج، سوبسیدهایی که به خانوار می‌شد، پرداخت می شد، معافیت از سربازی برای خانواده‌های پر فرزند و ... سیاست هائی بود که افزایش باروری در جامعه را پشتیبانی می کرد. اما از سال ۱۳۶۴، خانواده‌ها کاهش باروری را آغاز کردند. یعنی علیرغم اینکه سیاست رسمی، چیز دیگری می خواست، خانواده‌ها طور دیگری رفتار کردند.

افزایش سطح تحصیلات زنان، توسعه اقتصادی و اجتماعی، گسترش ارتباطات بین المللی، کاهش مرگ و میر مادران و نوزادان موارد مهمی بودند که در تغییر نرخ فرزندآوری خانوارها نقش مهمی ایفا کردند.

در کنار این تحولات اجتماعی و توسعه، عمومیت یافتن استفاده وسایل پیشگیری از بارداری و حمایت جامعه، نهادهای مذهبی و دولتی از برنامه کاهش نرخ فرزندآوری خانواده ها منجر به عمومی تر شدن این تصمیم شد. همچنین اجرائی شدن سیاست تنظیم خانواده و کاهش باروری، به صورت رسمی در سال ۱۳۶۸ اتفاق افتاد و خانواده ها به داشتن دو فرزند یا کمتر تشویق شدند.

نکته مهم در این باره اینکه؛ تک فرزندی در جامعه کنونی ما ایده shy&آل نبود و نیست!

*چقدر با عزم نهادهای رسمی برای کاهش نرخ باروری در ایران موافق هستید؟ آیا چنین تصمیمی با شرایط اجتماعی آن روز جامعه ایرانی تطابق داشت؟

ابراهیمی: شاید بهتر به جای اینکه تک فرزندی را یک ابزار بدانیم، آنرا عاملی موثر بر سیاستگذاری های سطوح مختلف بدانیم. چه در سطح افراد؛ یعنی در سطح خرد جامعه که منجر به تغییر نگرش افراد شد و چه در سطوح بالاتر اجتماع.

همه ما به یاد داریم که در یک دوره به افراد گفته می shy&شد؛ بچه برکت زندگی است! در فضای عمومی جامعه، شعارهایی در این باره بیان می shy&شد که تاثیر زیادی روی تصمیم فرزندآوری خانوارها داشت.

از سوی دیگر و در سطح میانی، نهاد خانواده به یکباره دچار تغییرات زیادی شد. افراد سبک زندگی خاصی داشتند. تعداد فرزندان خانوارها تاثیر مستقیمی روی سبک زندگی آنها گذاشت و این یک نکته قابل توجه بود. نوع خوراک، پوشاک و فراغت تغییر کرد و در واقع وقتی خانواده از شکل گسترده به هسته shy&ای تغییر کرد، بسیاری از امور درون خانواده نیز تغییر یافت. در پاسخ به سوال شما باید بگویم که سیاست shy&گذاری اشتباه می shy&تواند منجر به تغییر در خانواده شود. تغییری که شاید بازگرداندن آن به حالت اول به اسانی ممکن نباشد!

* سهم فضای روانی سالم در تشویق خانواده ها و والدین به کم فرزندی در سیاستگذاری های جمعیتی ما چگونه بوده است؟ آیا در سیاستگذاری های دهه ۶۰ و ۷۰ - که کم فرزندی یا تک فرزندی را به جامعه ایرانی القاء کرد- چنین مسائلی دیده شده بود؟

عطائی فر: در آنچه روانشناسان در مورد تعداد فرزند مطرح کرده اند، روی نظریه آدلر تمرکز می shy&کنم و عرایض را ادامه می دهم. او معایب تک فرزندی را به خوبی مطرح کرده است. تک فرزندی از نظر روانشناسان به خصوص آدلر تایید نشده است. از جمله معایبی که برای تک فرزندی برشمرده shy&اند، اینکه چون فرد در خانواده تنهاست، کانون توجه والدین است. در نتیجه پس از مدتی به سمت خودشیفتگی می shy&رود و وابستگی زیادی میان والدین و فرزند ایجاد می shy&شود.

تک فرزندان از والدین خود الگو می گیرند. این در حالیست که آنان باید از میان هم سالان شان الگوبرداری کنند و مهارت های متقابل را در تعامل با آنان یاد بگیرند. فرد تک فرزند در این مهارت ها و ارتباطات اجتماعی خلاء دارد. آدلر از حس برتری اغراق آمیزی صحبت می shy&کند که تک فرزندان دچار آن هستند. آنها بر این اعتقادند که دیگران باید از ما محافظت کنند. در نتیجه مسئولیت shy&پذیری کمی دارند که پیامدهای این عدم مسئولیت پذیری دامن اجتماع را نیز می گیرد.

در وجود تک فرزندان، عدم تمایز یافتگی وجود دارد. آنها استقلال طلبی کمتری دارند و در نتیجه هویت فردی در آنها کمتر یا دیرتر ایجاد می shy&شود. آنها در یکسو از طیف، کمرو و خجالتی هستند که ارتباط اجتماعی ضعیفی در جامعه دارند و از سوی در تیپ shy&های اجتماعی مغرور هستند که انتظار محافظت و برآورده شدن خواسته shy&هایشان را دارند.

تحقیقات روان شناسان نشان می دهد که وقتی خانواده یک فرزند داشته باشد، توقعاتش در همان یک فرزند جمع می shy&شود و همین سطح بالای توقع، اضطراب و در پی آن افسردگی ایجاد می shy&کند.

* به نظر شما سهم بیشتر در تصمیم برای تک فرزندی با زمینه های روان شناسی ناقص در جامعه ماست یا مسائل اجتماعی موجود؟

بنظر من، سهم بیشتر مربوط به مسائل جامعه شناختی است. این مسائل هستند که سهم زیادی در جهت دهی به فضای روانی خانوارها و والدین دارند. بیکاری و مشکلات اقتصادی یکی از مهم ترین اثرگذاران در این رابطه است.

همچنین کمزنگ شدن حمایت shy&های اجتماعی به خصوص در میان نزدیکان، یکی از مهم ترین فاکتورهای موثر است. قبل shy&ترها چون خانواده shy&ها سنتی و در کنار هم بودند، از حمایت اجتماعی بیشتری برخوردار بودند.

*آیا جامعه ایرانی دچار آسیب تک فرزندی هست؟

رازقی: تا زمانی که سیاست shy&ها و برنامه shy&ریزی shy&هایمان در جهت تسهیل ازدواج و فرزندآوری نباشد، ممکن است روند کاهش بار دیگر به جامعه ما بازگردد. افراد برای فرزندآوری انتخاب shy&های عقلانی دارند و ارزیابی هزینه ndash&فایده می shy&کنند. اینطور نیست که تصمیم آنها تحت تاثیر یک برنامه یا شعار فرزندآوری قرار داشته باشد.

بنابراین اگر ما می shy&خواهیم که خانواده shy& ایرانی، به ایده ال خود که بیش از دو فرزند است، برسد، باید مشکلات را از سر راه شان برداریم. سیاست خیلی مهم است و فقط شعار نیست!

سیاست shy&های جمعیتی که مقام معظم رهبری ابلاغ کردند هم به کمیت و هم به کیفیت این امر اشاره داشت. تاکید بر بعد کمیتی این جریان، راه به جایی نمی برد. وقتی از کیفیت صحبت می shy&کنیم، یعنی مشکلات خانواده را کم کرده و کمک کنیم تا به اهداف فرزندآوری خود برسند.

بحث مهم دیگری که باید به آن اشاره کنم؛ تاخیر در به دنیا آوردن فرزند دوم است. خانواده shy&ها منتظر زمان مناسبی هستند تا شرایطشان مناسب شود. آنها می shy&خواهند به یک ثبات برسند و پس از ثبات فرزند ایده آل را به دنیا آورند. غافل از اینکه صبر کردن و گذشت زمان روی شرایط فیزیولوژیکی فرد تاثیر می shy&گذارد. وقتی فرزند اول در ۲۴ سالگی به دنیا می shy&آید، متوسط اختلاف سنی فرزند اول با دوم چهار و نیم تا پنج سال است اما وقتی این تاخیر گاهی تا هفت سال طول می shy&کشد طبیعتا سن مادر نیز بالاتر می shy&رود. همین افزایش سن منجر به ناتوانی های جسمی و روحی برای مادر می شود که می تواند تاثیرات نامطلوبی در حاملگی و فرزندآوری او داشته باشد.

بنابراین یکی از دلایل تک فرزندی، فاصله انداختن برای باروری دوم و سوم است. فرد زمانی تصمیم به فرزندآوری دوم می گیرد که زمانی ندارد.

سیاست shy&های جمعیتی و باروری، باید در میان خانواده shy&ها و فرهنگ shy&های مختلف، متنوع باشد. همچنین در هر دوره ای از سیاست گذاری، باید به خواسته ها و شرایط جامعه احترام گذاشت و توجه کرد.

وقتی به سیاست از بالا به پایین نگاه می zwnj&شود، خیلی جواب نمی shy&دهد و مردم همراه آن نمی shy&شوند. مثلا؛ ما برای روی آوردن خانواده shy&ها به فرزندآوری، در ارایه خدمات پیشگیری از بارداری محدودیت ایجاد کرده shy&ایم. این نشان دهنده این است که ما به اهداف خانواده shy&ها و شرایطی که دارند، توجه نمی shy&کنم و می zwnj&خواهیم که آنها صرفا فرزند بیاورند! این به خانواده و والدین نشان می shy&دهد که جامعه بزرگتر و نهاد بزرگتر به وضعیت او توجه ندارد. پیشگیری از بارداری احتمال سقط جنین را افزایش می دهد نه افزایش نرخ باروری!

* مهم ترین پیامدهای این تکنیک غلط که در اثر یک سیاستگذاری غیرواقعی یا غلط در جامعه ما برای مدتی تبلیغ شده بود، از منظر شما چیست؟

ابراهیمی: اگر سیاست shy&های جمعیتی که مقام معظم رهبری ابلاغ کردند، را بخوانیم متوجه مسئله و راه حل خواهیم شد. ایشان در بند دوم از رفع موانع ازدواج سخن گفته اند. همچنین تاکید زیادی بر فرزندپروری کرده اند. همین دو مورد می تواند مبنای یک سیاست درست برای پرهیز از تک فرزندی باشد!

ما معتقدیم که الگوی تک فرزندی الگوی خوبی برای جامعه ما نیست، دلایل مختلفی هم دارد که در پیامدهای تک فرزندی می توانیم به آنها اشاره کنیم. اگر افراد به سمت تک فرزندی بروند، تعاملاتشان در خانواده برهم می shy&خورد. یک فرزند نیاز به ارتباط با هم نسل خود دارد. یک تک فرزند؛ دائم در خانواده هسته shy&ای با پدر و مادر خود ارتباط برقرار

می‌شود؛ این فرد در فرایند اجتماعی شدن دچار مشکلات زیادی است. در نتیجه؛ وقتی تک فرزندی الگویی ثابت می‌شود، شما در آینده با افرادی مواجه خواهید بود که بلد نیستند ارتباط برقرار کرده و تعارضات خود را کنترل کنند! تنهایی و انزوا و در پی آن عدم برخورداری از حمایت های اجتماعی و خانوادگی یکی دیگر از پیامدهای تک فرزندی برای افراد و جامعه است.

باب شدن تک فرزندی در جامعه، خیلی خطرناک است. فرد وقتی از فضای خانواده بیرون برود، با افراد درجه یک خانواده مانند خاله، عمو و دایی ارتباطی نخواهد داشت و این ارتباطات مفهومی را برای او از دست می‌دهد. حتی در سطوح پایین هرم نیاز افراد مثلا بحث معیشتی، این فرد حمایت اقتصادی چندانی از سوی آشنایان خود نخواهد داشت.

قضیه خطرناک ماجرا این که مشکل ما، مشکل طبقه متوسط تحصیل کرده است. افرادی که این الگو را تأیید می‌کنند و می‌گویند که باید تک فرزند باشیم چون نگاهمان تغییر کرده یا شرایط اقتصادی مطلوبی برای ما فراهم نیست! من بارها در مصاحبه‌ها شنیده‌ام که می‌گویند من یک فرزند خوب داشته باشم بهتر از این است که سه فرزند داشته باشم و درگیر مسائلشان باشم.

جامعه ما در حال گذار و تغییر و پیشرفت است. یک اتفاق جمعیت شناسی، جامعه شناسی و روانشناسی در این میان رخ می‌دهد که حدوث آن اجتناب ناپذیر است. ما باید این حادثه ها را کنترل کنیم و راه این کنترل نیز، سیاست گذاری؛ ها است.

اگر از یک طرف به سیاست‌گذاران نقد می‌کنیم، از سوی دیگر نیز باید به خودمان که مردم هستیم نقد داشته باشیم. خیلی اوقات نگاه مردم این است که برخی از اتفاقات فردی و تصمیم شخصی آنها است. در صورتی که درست نیست زیرا وقتی فردی در فضای اجتماعی زندگی می‌کند، تابع یک سری هنجارهای اجتماعی هستند. در بحث تک فرزندی و جمعیت نیز ممکن است ابتدا و در مرحله اول یک تصمیم فردی و شخصی باشد اما در فضای اجتماعی تأثیرگذار است. برخی اوقات این سیاست ها توسط مردم پذیرفته نمی‌شوند زیرا می‌گویند آنها در حریم شخصی ما وارد می‌شوند. باید مردم را اقناع کرد. تصمیم‌گیری فرد برای ازدواج یا فرزندآوری، می‌تواند ماجرای اجتماعی را تغییر بدهد.

هنر ما در این است که سیاست ها را درست وضع کرده و بعد مردم را همراه آنها کنیم. مهارت ها را به درستی به خانواده ها و والدین آموزش داده و در راه اجرایی شدن سیاست درست از آن بهره برداری کنیم.

* پیامدهای تک فرزندی در سطح میانی و کلان چه خواهد بود؟

پیامدهایی که تک فرزندی برای جامعه خواهد داشت، در سطح کلان؛ بحران‌های جمعیتی است. بحران‌هایی که درباره آنها اغراق زیادی شده است. اما یکی از مسائل که می‌تواند اتفاق بیافتد، کاهش سرمایه اجتماعی است.

اگر سیاست‌های جمعیتی به عنوان یک سیستم حمایتی به کمک افراد نیاید، افراد اعتمادشان را به جامعه از دست می‌دهند و این فقدان اعتماد فقط جنبه شخصی و فردی ندارد. بلکه منجر به کاهش مشارکت افراد می‌شود. افراد احساس تعلق و تعهد به ساختارهای جامعه نمی‌کنند و در چنین حالتی ممکن است بگویند من جدا از این جامعه هستم!

اتفاقی که در مقابل آن باید روی افزایش مسئولیت فردی تأکید داشت. نتیجه این عدم تعلق و تعهد، کاهش مشارکت، اعتماد و سرمایه اجتماعی است که برای جامعه خیلی خطرناک است. امری که منجر به چنددستگی در جامعه می‌شود. مردم به شرایط جامعه آسیب می‌زنند و مثلاً بجای فرزندآوری بیشتر در شرایط منع استفاده از لوازم پیشگیری، دست به سقط جنین می‌زنند. این در حالیکه ما در چارچوب هنجارهای دینی و ارزشهای اسلامی عمل می‌کنیم و اگر در جامعه سقط جنین اتفاق بیافتد، به یک نحوی اعتراض پنهان است.

براساس تئوری‌های جامعه شناسی؛ افرادی که احساس تنهایی می‌کنند و دچار رهایی شده‌اند، احتمال آسیب‌رسانی دارند. حال این آسیب، یا گوش نکردن به حرف حکومت ها، کمک نکردن به تحقق سیاست‌های و مواردی از این دست است.

همیشه سیاست کاهش یا افزایش فرزند خوب نیست و باید به تناسب شرایط رقم بخورد. اما اگر رشد منفی را داشته باشیم، و تک فرزندی الگوی قالب جامعه شود، ما کاهش پویایی و جوانی جمعیت را خواهیم داشت. جمع شدن هرم جمعیتی یکی از مهم ترین زنگ خطرهای این بحث است.

در سطح میانی نیز شبکه shy&های تعاملاتی و حمایتی خانواده برهم می ریزد. وقتی افراد در خانواده احساس کنند که حمایت نمی shy& شوند و ارتباط خوبی باهم ندارند، قاعدتا نتیجه آن در جامعه پدیدار می شود. وقتی تحلیلگران اجتماعی یا روانشناسان می shy& خواهند بگویند فرد چه مشکلی دارد، می shy& گویند که زمینه آن از خانواده آمده است. اگر در محیط خانواده فضای امن و آرام وجود نداشته باشند و فرد احساس آرامش نکند، قاعدتا بروز آن در جامعه خشونت، اعتیاد و مسائل دیگر می shy& شود. من در حوزه مشارکت و اشتغال زنان نیز همین را می shy& گویم که اتفاقا نگاه shy&های فمینیستی کاملا به جریان آرامش زنان ضربه وارد می shy& کند زیرا می shy& خواهد زن از خانواده جدا شود. هرچایی که افراد از خانواده جدا شوند و اهمیت نهاد خانواده کم شود به مشکل بر می shy& خوریم. الگوی تک فرزندی، کوچک شدن خانواده zwnj&ها و جزیره shy&ای شدن آنها، منجر به این می shy& شود که خانواده دچار اختلال شود.

* مهم ترین پیامدهای روانشناسی تک فرزندی برای جامعه چیست؟

عطائی فر: اگر تک فرزندی بخواد گسترش و ادامه پیدا کند، تبعات آن اختلال در سلامت جامعه می shy& شود. علتش این است که وقتی به تک فرزندی گرایش پیدا کنیم، انسجام خانواده خیلی کم می zwnj& شود. بعد از آن نشاط در جامعه و دید مثبت به زندگی کمرنگ shy&تر می shy& شود.

جامعه تک فرزند؛ بیشتر به سمت و سوی فردگرایی می zwnj&رود که نزدیک به فرهنگ غرب است. فرهنگ غرب بیشتر به سمت و سوی فردگرایی رفته و حمایت shy&های عاطفی نیز بین افراد-به دلیل همان مقوله فردگرایی-کم شده است. اتفاق دیگری که در خانواده shy&ها رخ می shy& دهد عدم پایداری روابط زوجین است. در خانواده shy&هایی که تعداد فرزندان کمتر است، پایداری روابط زوجین هم کمتر است. در خانواده shy&هایی که تعداد فرزندان بیشتر از یک نفر است بیشتر حس دلگرمی برای والدین وجود دارد و اتفاق آشیانه خالی خیلی دیرتر اتفاق می shy& افتد.

رازقی: من تأکید می shy&کنم که الگوی باروری ما، الگوی دو فرزندی و تک فرزندی نیست. بیش از ۷۰ درصد زنان ما دو فرزند و یا بالاتر به دنیا می shy&آورند. این خیلی مهم است. اما اگر بخواهیم تک فرزندی را در جامعه فرضی بیان کنیم، باید بگویم که وقتی باروری به زیر نرخ جانشینی می shy&رسد و پایین می shy&آید، تک فرزندی به وجود می shy&آید. اگر این تک فرزندی رخ بدهد، دو موضوع اتفاق می shy&افتد. یکی اینکه باروری به سطح خیلی پایینی می shy&رسد. یعنی به زیر سطح جایگزینی، یعنی ۱.۵ یا ۱.۳ فرزند می رسد که خیلی خطرناک است.

وقتی جامعه shy&ای به باروری زیر ۱.۳ shy&رسید، ممکن است به یک تله جمعیتی یا باروری برسد! تله ای که بیرون آمدن از آن کمی مشکل است. نتیجه رسیدن به این تله در دو محور متبلور است؛ یکی بحث تغییر ساختار سنی به سمت سالخوردگی جمعیت، که یک پیامد این موضوع افزایش بار تکلف برای دیگران است و در واقع جمعیت مصرف کننده که از جمعیت فعال جامعه جدا شده، بیشتر می shy&شود.

سه گروه سنی به هم می shy&خورد و ساختار سنی جامعه تغییر می shy&کند. نکته ای که روی آن تأکید می shy&کنم، اینکه؛ الگوی ما دو فرزندی است و نباید نگران باشیم. باید به خانواده shy&ها کمک کنیم که این الگو حفظ شود. ما باید سیاست shy&ها و برنامه shy&هایمان در جهت حفظ همین الگویی باشد که داریم. زیرا وضعیت جمعیتی ما وضعیت خیلی خوبی است و الان یک دهه است که وارد پنجره جمعیتی شدیم. این فرصت خیلی مناسبی است. بنابراین ما از این وضعیت و فرصت مناسب باید استفاده کنیم. باید شرایط ازدواج و فرزندآوری را فراهم کنیم. ما اگر بتوانیم سن ازدواج را کاهش بدهیم قدم خیلی زیادی برداشتیم.

سن فرزندآوری ما بالا نیست زیرا همانطور که گفتم فاصله ازدواج تا فرزند اول سه و نیم سال است. یعنی همه خانواده shy&ها فرزند اول را می zwnj&خواهند و ۹۰ درصد فرزند اول را به دنیا می shy&آورند، فرزند دوم را هم می shy&خواهند. اتفاقی که افتاده این است که سن ازدواج بالا رفته است. اگر بتوانیم تلاشمان به این سمت باشد که شرایط ازدواج جوانان را فراهم کنیم با خیال راحت بگوییم که هیچ زمانی این شرایط را نخواهیم داشت و الگوی دو فرزندی یا بالاتر ما حفظ خواهد شد.